

درس خارج فقه بحث صلاة جمعة استاد آیت الله محسن اراکی دامت برکاته یکشنبه ۲۹ مهرماه

۱۳۸۶ هجری شمسی جلسه اول

أَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ
پیش از این که وارد بحث به شویم یک مقدار من عناوین بحث مربوط به سال گذشته را خدمت دوستان یادآوری کنم چون از آن چه از دفتر به من منتقل شد احساس کردم گویا بعضی از دوستان متوجه اصلاً تیترهای کلی بحث اصلاً نشده باشند ما دو گونه بحث را شروع کردیم که سه روز اول هفته را به یکی از دو نوع بحث اختصاص دادیم و دو روز دوم هفته را به نوع دیگری از بحث سه روز اول را درباره کتاب الصلاة بحث می کنیم و می کردیم به همان روش سنتی متعارف در حوزه و سه روز دوم را فقه جدید بحث می کنیم اصلاً بحثی از فقه مقارن توی مباحث ما نبود چون دفتر می گفتند دوستان می گفتند فقه مقارن بحث می کردیم بنا نبود که فقه مقارن بحث کنیم خلاصه والله من خودمم اولین بار شنیدم من این جا بحث فقه مقارن دارم از دفتر می گفتند من تعجب کردم بهر حال از کجا این وحی نازل شده بود بهر حال حالا بهر حال ما این دو گونه بحث را داشتیم که سه روز اول هفته را درباره کتاب الصلاة بحث می کردیم یعنی به روش فقه متعارف و دو روز دوم را یعنی دو روز سه شنبه و چهارشنبه را درباره فقه با تقسیم بندی و با روش جدید در سه روز اول که بحث درباره کتاب الصلاة را ما آغاز کردیم این جا بود که یک مقدار بود که منشأ این شد که دوستان یک مقدار شبهه ایجاد به شود یک مقدار ما معطل شدیم در بحث درباره بعضی از قواعد فقهیه مربوط به کتاب الصلاة که یک مقدار این بحث ما را معطل کرد که ما ترجیح دادیم این یعنی امسال ما این بحث قواعد فقهیه را فعلاً بحث اش را ادامه نمی دهیم اگر مایل باشند دوستان پنج شنبه ها

همان طوری که سال قبل هم همین قول را ما دادیم که بحث قواعد فقهیه مربوط به کتاب الصلّاة را پنج شنبه ها بحث می کنیم اگر مایل باشند می توانیم پنج شنبه ها این بحث را ادامه به دهیم چون بحث خوبی بود فی نفسه بحث لازمی است لکن بحث کتاب الصلّاة را خیلی طولانی می کند لذا ما امسال ان شاء الله به یاری خدا همان بحث کتاب الصلّاة را ادامه خواهیم داد مباحث مربوط به قواعد فقهی کتاب الصلّاة را می گذاریم اگر دوستان مایل باشند در روز پنج شنبه بحث می کنیم این را بحث کردیم که ساعت نه یا نه و نیم بحث کنیم ساعت نه من می توانم در کتاب الصلّاة ما ابتدا گفتیم به عنوان تمهید مطالبی را مطرح می کنیم که چهار مطلب را ما به عنوان تمهید بحث کردیم که یکی تعریف الصلّاة بود دو تقسیمات الصلّاة بود که صلاة را تقسیم کردیم به سه جور تقسیم گفتیم قابل تقسیم است تقسیم الصلّاة من جهة نوع الطلب تقسیم الصلّاة من جهة نوع المطلوب و تقسیم الصلّاة من جهة النوع المطلوب منه این را هم بیان کردیم امر سوم از امور تمهیدی بیان انواع صلاة یا اقسام صلاة بود انواع صلاة را هم ما بیان کردیم و انواع صلاة را به واجبه و مندوبه و مکروهه و محرمه بعد واجبه را به واجبه بالذات و واجبه بالعارض تقسیم کردیم ، واجبه بالذات را هم به چهار نوع فرائض یومیه و صلاة العیدین و صلاة ایّات و صلاة الاموات تقسیم کردیم و صلاة واجبه بالعارض را هم شش نوع گفتیم که در مجموع صلوات واجبه شد ده نوع صلوات واجبه این هم امر سوم بود بعد امر چهارم از امور تمهیدی بحث کتاب الصلّاة ، الهیکل العام لاجتاهات الصلّاة یا فهرست مباحث صلاة بود که فهرست مباحث صلاة را هم ما بیان کردیم فهرست مباحث صلاة ما چنین بود گفتیم که تفسیر اجتهات صلاة را این چنین بحث می کنیم قسم اول صلوات واجبه بالذاتها که این قسم گفتیم فیها فصول فصل اول فرائض یومیه در فرائض یومیه هم گفتیم چند بحث را داریم بحث اول فی انواع فرائض یومیه این را بحث کردیم این انواع فرائض یومیه را و روایات مربوط به انواع فرائض

یومیه را خواندیم در سال گذشته بحثی را که امسال شروع می کنیم البتہ الثانی فی احکامها است فی احکام فرائض یومیه فهرست بحث را هم قبلاً خدمت دوستان تقدیم کردیم و بحث کردیم بنابراین ما شروع می کنیم به تفسیر ابجاث صلاة در تفسیر ابجاث صلاة همان طوری که عرض شد درباره انواع صلاة بحث کردیم که بحث اول بود از فصل اول ، فصل اول در فرائض یومیه بود که در فرائض یومیه گفتیم چند بحث داریم فیها ابجاث ، بحث اول فی انواعها این تمام شد و بحث ثانی فی احکامها ، در احکام فرائض یومیه اولین بحث در احکام یومیه ، احکام صلوات یومیه ، البتہ فی احکامها که گفتیم و هی انواع ، نوع اول از احکام صلوات فرائض یومیه ،

نوع اول فی وجوبها ، در وجوب صلوات یومیه ، در صلوات یومیه در وجوب صلوات یومیه در وجوب صلوات یومیه بحث زیادی ما نداریم چون وجوب صلوات یومیه ثابت است بالضرورة الشرعیة الدینیة و در بحث قبل هم که به مناسب انواع الصلاة بود ما آیات و روایاتی در این زمینه آوردیم و لذا بحثی چندان در وجوب صلوات یومیه نداریم بحثی که در این زمینه هست درباره خصوص صلاة الجمعة است که گفتیم صلاة الجمعة هم از صلوات یومیه به شمار می آید و لذا عناوین صلوات یومیه را ما شش عنوان دانستیم که صلوات فرائض یومیه خمسة به اضافه صلاة الجمعة که گفتیم صلاة الجمعة فريضة یومیه ی يوم الجمعة است بدلاً عن الظهر پس از صلوات یومیه به شمار می آید در وجوب صلاة الجمعة جای بحث داریم به دلیل اختلافی که بین فقها در تفصیل وجوب صلاة الجمعة وجود دارد لذاست که باید درباره وجوب صلاة الجمعة بحث کنیم در وجوب صلاة الجمعة در بین فقهای ما ، فقهای امامیه سه مسلک وجود دارد ، مسلک اول قول به وجوب صلاة الجمعة است ، وجوباً تعیناً قول دوم قول به تعیین صلاة ظهر است البتہ این را عرض کنم که حالا من این نکته را باید - قبلاً - عرض می کردم

که در اصل وجوب عینی تعیینی صلاة الجمعة در زمان حضور امام و حضور نائب خاص یا نائب منصوب امام زمان صلوات الله تعالی علیه جای بحثی نداریم یعنی اتفاق فقهای ماست که در زمان حضور امام یا حضور نائب خاصه امام یا نائب منصوب برای خصوص صلاة الجمعة و لو این که نائب خاص امام در کل شیء نباشد نائب امام باشد در خصوص اقامة الجمعة در چنین مواردی بحثی در وجوب تعیینی صلاة الجمعة در بین فقهای ما نیست بحثی که در بین فقهای ما هست در وجوب تعیینی صلاة الجمعة است در عصر غیبت در عصر عدم حضور امام این جاست که سه مبنا وجود دارد یا سه مسلک وجود دارد مسلک اول قول به وجوب تعیینی به صلاة الجمعة بنابراین تجب اقامة الجمعة هر جا تعداد لازم برای اقامه نماز جمعه حاضر بودند و ظهر جمعه شد باید یکی از آنها جلو بیفتد اگر جامع الشرائط بود و اقامه جمعه کند و بقیه هم باید پشت سرش نماز بخوانند هر کجا بودند این معنی قول به وجوب تعیینی صلاة الجمعة است این مسلک اول

مسلک دوم ، مسلک قول به تعیین صلاة الظهر است و عدم مشروعیت صلاة الجمعة در عصر غیبت و این که مشروعیت صلاة الجمعة مشروط به حضور امام یا نائب خاص اوست این مسلک دوم بله حرمت نماز جمعه می شود در نتیجه این مسلک دوم مسلک سوم قول به تخییر است بین الجمعة و الظهر قال فی التنقیح مرحوم آقای خوئی در کتاب التنقیح یعنی در تقریراتشان که به عنوان تنقیح چاپ شده است چنین می فرمایند « المشهور عند الفقهاء عدم وجوب الجمعة تعیناً بل ذکروا أنه مما لا خلاف فيه عند القدماء بل الظاهر من کلماتهم عدم مشروعية الجمعة في عصر الغيبة لشرائطهم في مشروعيتها حضوره عليه السلام أو من نسبه لذلك مدّعينا عليه الاجماع في کلماتهم كثيرة و القول بذالك هو المحكى عن الشيخ في الخلاف و ابن الزهره في الغنية و المحقق في المعتبر و العلامة في التحرير و المنتهى و التذكرة

و الشهيد فى الذكرى و المحقق فى جامع المقاصد و غيرهم فى غيرها بعد مى فرمايد و عن الشهيد الثانى ذهابه إلى قول الثانى يعنى إلى وجوب تعيينى صلاة الجمعة أى وجوب الصلاة الجمعة تعييناً فى رسالة التى وضعها فى هذه المسألة مرحوم شهيد ثانى اصلاً يك رساله اى تأليف كرد در وجوب صلاة الجمعة فى عصر الغيبة و قد اختاره صاحب المدارك قدس سره و تبعهما على ذالك جماعة من المتأخرين نعم حكى عن الشهيد أيضاً القول فى التخير فى المسألة على خلاف ما ذكره فى رسالته »

اين فرمايش مرحوم آقاى خوئى است در كتاب التنقيح از فرمايش آقاى خوئى استفاده مى شود كه گویا مرحوم شهيد ثانى آدرسش را نوشته ام فردا به شما مى دهم از فرمايش آقاى خوئى استفاده مى شود و همچنين ديگران اين حرف را گفته اند كه عمده كسى كه بحث وجوب تعيينى صلاة الجمعة در عصر غيبت را در بين فقهاى ما خيلى قوى مطرح كرد و در حقيقت مى توان گفت آغازگر اين مسأله بوده شهيد ثانى در همين رساله اى بوده است كه در صلاة الجمعة نوشته (نه آقاى بروجردى اتفاقاً از آن هاى است كه قائل به حرمت نماز جمعه است نه نه من وجوب تعيينى صلاة الجمعة را عرض كردم) شهيدثانى قائل به وجوب تعيينى صلاة الجمعة است مرحوم صاحب حدائق از كسانى است كه قائل به وجوب تعيينى صلاة الجمعة است و قوياً مدعى است كه اكثر فقهاى ما قائل به وجوب تعيينى بوده اند برخلاف آن فرمايشى كه از آقاى خوئى نقل کرده ايم كه ايشان به مشهور نسبت قول به وجوب تخيىرى نماز جمعه را در عصر غيبت داد مرحوم صاحب حدائق اصرار دارد به اين كه مشهور بين فقهاى ما وجوب تعيينى بوده بعد يك ليستى از فقها را ايشان نقل مى كند كه ما ليست ايشان را مى خوانيم حالا بعد خودمان هم مختصرى به فرمايشان اين فقها بايد به پردازيم چون اين مطلب يك مقدار اول بايد معلوم شود كه جوّ فقهى مربوط به صلاة الجمعة چيست ؟ (وجوب تعيينى صلاة الجمعة

است آقای خوئی هم قائل به وجوب تعیینی صلاة الجمعة است منتهی به شرطی که اُقیمت یعنی إذا اُقیمت وجب تعیناً وجوب تخیری است به یک شکل وجوب تعیینی به یک شکل وجوب اقامه ش را ایشان تخیری می داند یعنی می گوید وجوب اقامه صلاة الجمعة وجوب تخیری است لکن إذا اُقیمت یعنی إذا اقامها من إجتمع فيها شرائط وجب تعیناً ، می شود ایشان را هم از قائل به وجوب تخیری بر شمرد چون اصل اقامه اش مورد بحث است ، اقامه صلاة الجمعة را ایشان واجب تخیری می داند (یعنی إذا اُقیمت سعی بر او واجب است وقتی سعی بر او واجب است یعنی خود نماز واجب است که سعی بر او واجب است مبنی است بر قول به قاعده ترتب یعنی اگر ما قائل به جواز ترتب شدیم می تواند - ظهر - را بخواند اگر خواند نماز ظهرش صحیح است منتهی مرتکب حرام شده است معروف بود می گفتند آقای خوئی ظهرها کربلاء نمی آمد هیچ وقت وقت کربلاء - می آمد - ظهرها از کربلاء بیرون می آمد چون در کربلاء یک کسی بود اقامه جمعه می کرد چون ایشان قائل بود به وجوب حضور در صلاة الجمعة آن وقت مقلدین ایشان در جمهوری اسلامی هیچ وقت نماز جمعه نمی آیند خیلی هایشان را که ما می شناختیم هیچ وقت نماز جمعه نمی آمدند می گفتیم : شما که مقلد آقای خوئی هستید اقلأً به فتوای آقای خوئی عمل کنید شما امام جمعه ها گاهی عادل نمی دانستند نمی دانم ، مرحوم صاحب حدائق می فرماید که ذهب این علما إلى وجوب تعیینی صلاة الجمعة یک : المفید فی المقنعة و الاشراف و دو: الشيخ فی التهذیب سه: الحلبی فی الکافی چهار: ابوالفتح کراجکی فی تهذیب المسترشدین پنج: کلینی در کتاب کافی شش: عماد الدین طبرسی در نهج العرفان إلى هداية الايمان هفت: صدوق در فقیه در من لا یحضره الفقیه و المقنع و ایمالی این از متقدمین است و أما متأخرین از عصر شهید ثانی متقدمین منظورش متقدمین بر شهید ثانی است و أما شهید ثانی متأخرین از او چنین نقل می کند أولاً شهید ثانی در رسالته الخاصة « رسالة الجمعة » صاحب

حدائق از شهید ثانی چنین نقل می کند « و هو أول من كشف الغطاء عنها بعد أن ؟دراسها » ایشان معتقد است که بعد از مرحوم شیخ یا بعد از عصر شیخ مندرس شده است این صلاة جمعه فاصله ی بین عصر شیخ طوسی تا عصر علمای شهید ثانی و ... فاصله ، فاصله ی علمای حلّه است علمای حلّه مثل این که خیلی معتقد به وجوب صلاة جمعه نبوده اند خلاصه به خلاف علمای حلب و علمای بغداد و علمای نجف و ... فقهای ما از متقدمین معمولاً قائل به وجوب صلاة جمعه بوده اند مثل این که در این فتره انتقال حوزه علمیه به حلّه که از دوران شیخ طوسی تقریباً به تدریج حلّه قوّت می گیرد مرحوم سید بن طاووس و صاحب سرائر و مرحوم یحیی بن سعید صاحب کتاب جامع و محقق حلّی و علامه حلّی و بهرحال مجموعه همه در دوران اوج گیری حوزه حلّه هستند در این دوران ظاهراً غالباً قائل به عدم وجوب صلاة جمعه بودند البته این دوره هم تقریباً دوره فشار بر اهل تشیع است شاید این دوره ، دوره ای است که سخت ترین دوره ای است که بر اهل تشیع در تاریخ گذشته چون فشار حکومت های سلجوقیان از یک سمت که بعد هم منجر شد به حکومت مغول و وضع کل جهان اسلام درهم ریخت در این فتره ظاهراً علمای ما غالباً قائل به وجوب تعیینی نبوده اند بعد از شهید ثانی ، خود شهید ثانی و بعد مرحوم سید محمدصاحب مدارک در مدارک اش که این شماره نهمی شد سید محمد صاحب مدارک ده مرحوم شیخ حسین بن عبدالصمد والد شیخ بهائی در العقد الطهماسبی یازده : مرحوم شیخ حسن صاحب المعالم فی رسالة الموسومة بالآثنی العشرية دوازده : شیخ محمد ابن شیخ حسن صاحب معالم فی شرح الرسالة الآثنی عشرية در شرح رساله پدرش سیزده: شیخ فخر الدین طریحی باز در شرح إثنی عشریه مرحوم صاحب معالم چهارده: شیخ محمد تقی مجلسی والد علامه مجلسی فی رسالة المبسوطة ألفها فی تحقیق المسألة که والد مجلسی هم رساله ای در این رشته دارد پانزده : مرحوم محمد باقر سبزواری محقق سبزواری صاحب

الكفايه ، صاحب كفايه در فقه ، فى رسالة ألفها فى الوجوب العينية صلاة الجمعة لابد منظور از وجوب عيینی وجوب تعیینی بوده است این ها کسانی هستند که مرحوم صاحب مدارک از آن ها نقل می کند قول به وجوب جمعه را ما در آینده إن شاء الله یک گردشی به طور مختصر در آراء فقها خواهیم داشت که اولاً روشن به شود که این ادعایی که مرحوم آقای خوئی در کتاب التنقیح نموده اند که فرموده اند مشهور بین فقهای ما وجوب تخیری نماز جمعة است یا عدم وجوب تعیینی نماز جمعه بل که ایشان بل الظاهر من کلماتهم یعنی کلمات قدماء عدم مشروعیة الجمعة یک نسبت بزرگی مرحوم آقای خوئی به فقهای قدمای ما داده اند که نسبت داده است که فقهای ما متقدمین از فقهای ما ظاهر از کلمات آن ها عدم مشروعیة جمعه است در عصر غیبت لاشرائطهم فى مشروعيتها حضوره علیه السلام أو من نسبة لذالك مدّعينا علیه الآجماع فى کلماتهم کثیراً این مقطع از بحث را ما یک مقداری باید تنقیح کنیم ببینیم آیا این شهرتی که مرحوم آقای خوئی ادعا می کند و دعوای اجماعی را که از قدماء نقل می کند تا چه اندازه می توان به آن تن داد؟ این را ان شاء الله فردا بحث خواهیم کرد و صلّ الله علی محمد و آل محمد

تالار انجمن های گفتگوی تخصصی دروس حوزه های علمیّه

<http://\zekr.com>

Copyright © \Zekr.Com

تمام حقوق محفوظ است، نقل تمام یا بخشی از مطالب حتا با ذکر نام منبع، ممنوع و محدود است